

مطالعه‌ی تطبیقی حمایت از نام اثر

تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۱۴

تاریخ تأیید: ۹۶/۱۰/۴

محمود حکمت‌نیا*
ابراهیم تقی زاده**
داوود خوشنویس***

۱۵۷

حقوق اسلامی / سال پانزدهم / شماره ۵۷ / تابستان ۱۳۹۷

چکیده

حمایت از نام اثر در دو نظام حقوقی کامن‌لا و رومی ژرمنی با تفاوت‌هایی مورد توجه قرار گرفته است. اصل اختلافات در رابطه با امکان حمایت از نام اثر از طریق حقوق مولف یا کپی رایت است. اختلافات مذکور ریشه در شناسایی ماهیت نام اثر دارد. تلقی نام اثر به عنوان اثری مستقل یا محسوب نمودن آن به عنوان جزئی از اثر می‌تواند به عنوان دو نظریه در مورد ماهیت نام اثر مورد نظر قرار گیرند. پژوهش حاضر ضمن بررسی وضعیت فعلی ایران و برخی از کشورهای حاضر در دو نظام حقوقی مذکور در حمایت از نام اثر، به مطالعه‌ی ماهیت نام اثر با محوریت نظریات موصوف می‌پردازد. احراز شرط اصالت در مورد نام اثر در این مسیر راهگشا است. همچنین امکان حمایت از نام اثر از طریق حقوق معنوی پدیدآورنده با محوریت حق تمامیت اثر و استناد به حق انتساب اثر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلید واژگان: نام اثر، حق مولف، کپی رایت، شرط اصالت، اثر ادبی، بخش اساسی، حقوق اخلاقی.

*. استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (mh.hekmatnia@yahoo.com).

** دانشیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور تهران (taghizaadeh@gmail.com).

*** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه پیام نور تهران (davood_khoshnevis@yahoo.com).

مقدمه

«عنوان» یا «نام» به معنای هر آنچه موجب معرفی و شناختن چیزی می‌شود (عمید، ۱۳۴۲) یا هر چیزی که به وسیله آن برای آشکار کردن چیز دیگری استدلال شود (دهخدا، ۱۳۷۷) و یا به معنای وضع و حالت چیزی آمده است (معین، ۱۳۹۳). انواع مختلف آثار فکری نظیر آثار ادبی، هنری، موسیقایی و حتی نرم افزارهای رایانه‌ای نیز دارای عنوان هستند. از یک سو پدیدآورندگان آثار موصوف جهت تعیین نام مناسب با کارکرد مورد اشاره برای اثر خود، متحمل تلاش فکری می‌شوند و از سوی دیگر انتخاب نامی جذاب، جدید و کوتاه به عنوان یک اصل در جهت ایجاد شهرت پدیدآورنده و ماندگاری اثر در اذهان عمومی شناخته می‌شود (Tannenbaum, 1954, p. 459).

با توجه به اهمیت عنوان اثر که از وجوه مختلف مورد اشاره قرار گرفت، این سوال مطرح است که آیا می‌توان از نام اثر فکری حمایت نمود. به عبارت دیگر آیا نظام مالکیت فکری ابزارهای لازم برای حمایت از عنوان اثر و جلوگیری از استفاده‌ی غیرمجاز از آن را در اختیار دارد. بی شک پاسخ به پرسش مورد اشاره بدون در نظر گرفتن سیستم‌های حقوقی کشورها و قوانین مرتبط با آن امکان پذیر نخواهد بود.

در اغلب کشورهای دنیا حمایت از نام اثر از طریق مباحث مربوط به علائم تجاری، رقابت غیرمنصفانه و حمایت از علائم مشهور میسر گردیده است. حتی کشورهایی مانند فرانسه و آمریکا حمایت از عنوان اثر را از طریق انعقاد قراردادهای خصوصی بین اعضای انجمن‌های پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری مانند انجمن فیلم آمریکا (Motion Picture Association of America) ممکن نموده اند. اما عمده اختلافات در مورد امکان حمایت از طریق نظام حق مولف یا کپی رایت است. بنابراین مقاله حاضر در صدد است تا با مطالعه‌ی تطبیقی، ضمن بیان وضعیت فعلی برخی کشورها در حمایت از نام اثر از طریق نظام حق مولف و کپی رایت، امکان حمایت از نام اثر از طریق

نظام‌های مذکور را بررسی نماید. بر این اساس با بررسی ماهیتی نام اثر به لحاظ تلقی آن به عنوان اثری مستقل یا جزئی از اثر امکان حمایت در هر یک از حالات موصوف مورد بررسی قرار می‌گیرد. در پایان امکان حمایت از طریق حقوق معنوی پدیدآورنده مطالعه می‌شود. در این مسیر وضعیت قانونی ایران و برخی از کشورهای شاخص در دو نظام حقوق نوشته و کامن لا و رویه‌های قضایی موجود بیان می‌شود.

حمایت از نام اثر به عنوان «اثر»

بیان هدفمند اندیشه می‌تواند به عنوان تعریفی موجز و مختصر برای اثر (Work) تلقی شود ((Sterling, 1999, p. 189 البته بیان اندیشه به صورت مطلق نمی‌تواند شرایط تلقی اثر را فراهم سازد، بلکه وجود عنصر اصالت به عنوان علت تامه ضروری است. ماده ۱ قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان، اثر را به آنچه از راه دانش یا هنر یا ابتکار پدیدآورنده پدید می‌آید، بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان یا ظهور یا ایجاد آن به کار رفته تعریف نموده است. علی‌رغم اطلاق تعریف "اثر" در ماده‌ی موصوف، قانونگذار در ماده ۲ آثار مورد حمایت این قانون را ظاهراً به صورت حصری بیان نموده است. البته از مجموع مواد مورد اشاره باید گفت که در حقوق ایران ابتکاری بودن اثر به عنوان شرط اساسی مد نظر است. در حقیقت مفهوم اصالت در حقوق ایران با ابتکاری بودن اثر یکسان است (صفایی، ۱۳۷۵، ص ۷۳). به همین دلیل می‌توان گفت چنانچه اثری اصیل و خارج از آثار مورد اشاره در ماده ۲ پدید آید، باید آن را تحت حمایت قانون ایران دانست. از سوی دیگر می‌توان بر حصری بودن آثار مذکور در ماده ۲ تاکید نموده و آثار اصیل خارج از آن را از شمول حمایت خارج دانست.

قانون ایران در مورد اینکه آیا نام اثر خود می‌تواند به عنوان یک اثر تلقی شود ساکت است. همچنین اینکه آیا می‌توان اصالت مورد نظر را در مورد نام اثر احراز نمود نیاز به بررسی دارد. ماده ۱۷ قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان، نام و عنوان و نشانه ویژه‌ای که معرف اثر باشد را مشمول حمایت این قانون دانسته است.

ماده مذکور مقرر می‌دارد: «نام و عنوان و نشان ویژه‌ای که معرف اثر است از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود و هیچ کس نمی‌تواند آنها را برای اثر دیگری از همان نوع یا مانند آن به ترتیبی که القاء شبهه کند به کار برد.» در مقرره‌ی مورد اشاره حمایت از عناوین و نشانه‌های آثار به هیچ شرطی از جمله اصالت آن مشروط نشده است. از سوی دیگر از مفهوم مخالف ماده استنباط می‌شود که چنانچه نام، عنوان یا نشان اثر در نوع دیگری از آثار به کار رود منعی ندارد (زرکلام، ۱۳۸۸، ص ۶۷) به عنوان مثال چنانچه نام یک اثر موسیقی در یک فیلم و به عنوان نام فیلم مورد استفاده قرار گیرد منعی وجود ندارد. همچنین ماده مذکور دلالتی بر «اثر» دانستن نام اثر یا موجودیتی وابسته به آن ندارد.

ماده ۳ قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای حمایت خود را شامل نام، عنوان و نشان ویژه‌ای که معرف نرم افزار است دانسته و بر ممنوعیت استفاده از نام یا عنوان یا نشان ویژه برای نرم افزار دیگری از همان نوع یا مانند آن به ترتیبی که القای شبهه کند تاکید می‌نماید. ماده موصوف نیز شرایط مشخصی را جهت حمایت از نام نرم افزار رایانه‌ای مقرر نداشته و استنباط اخیر در مورد ماده ۱۷ قانون حمایت از حقوق مولفان در مورد ماده ۳ قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای نیز صادق است.

از مواد گفته شده این مهم استنباط می‌شود که در حقوق ایران وضعیت نام اثر به لحاظ ماهوی مشخص نیست. بیش از آنکه مباحث مربوط به اصالت نام یا موجودیت وابسته‌ی آن به اثر مورد اشاره قرار گیرد، تاکید قانونگذار بر ممنوعیت القای شبهه و گمراهی مخاطب در استفاده مجدد از نام اثر است. تفسیری که بیش از آنکه ما را به حمایت از نام اثر از طریق مالکیت ادبی و هنری رهنمون سازد، کارکردی شبیه علامت تجاری و حمایت از آن را متبادر می‌سازد. از سوی دیگر می‌توان چنین استنباط نمود که قانون ایران، فارغ از مباحث مربوط به حق مولف، حمایت ویژه‌ای (Sui generis) را با شرایطی مشخص نسبت به نام اثر اعمال نموده است.

بر اساس بخش پنجم از قانون مالکیت فکری فرانسه مصوب ۱۹۵۷، عناوین، تحت شمول حمایت حق مولف قرار می‌گیرند. قانون موصوف مقرر می‌دارد که نام اصیل

مانند اثری مستقل مورد حمایت است. البته هنگامی که احتمال گمراهی در استفاده از نام مشابه اثر وجود داشته باشد صرف نظر از عنصر اصالت، قانون فرانسه اقدام به حمایت از عنوان اثر نمی‌نماید. با این وجود رویه دادگاه‌ها بر عدم تمایل بر احراز شرط اصالت استوار است (Glick, 1970, p. 458).

بر اساس اصلاحیه‌ی ماده 4-112 L از قانون مالکیت فکری فرانسه، چنانچه نام مشابه موجب گمراهی شود، گرچه اثر از دوره زمانی حمایت نیز خارج شده باشد، مورد حمایت قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر چنانچه حتی نام اثر اصیل نباشد، اما گمراه کننده بوده و اثر نیز از محدوده‌ی زمانی حمایت خارج شده باشد نام آن مورد حمایت است (Stromholm, 1990, pp. 3-33). در واقع این بخش از قانون فرانسه دربردارنده‌ی اصول مورد نظر رقابت غیرمنصفانه است. بنابراین در قانون فرانسه نام اثر به شرط اصیل بودن، خود به عنوان اثری مستقل تلقی شده و از سوی دیگر احراز شرایط اصالت در مورد نام اثر نیز ممکن است.

حال با دو پرسش اساسی روبرو هستیم. اول چگونگی احراز اصالت نام اثر یا به عبارت دیگر امکان سنجی احراز شرط اصالت در عنوان اثر و دوم اینکه چنانچه قائل به حصری بودن آثار مورد اشاره در برخی از قوانین مانند ماده ۲ قانون ایران باشیم، آیا می‌توان نام اثر را در شمول یک یا چند اثر از آثار مورد اشاره دانست. در ادامه بدواً احراز شرط اصالت مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس به پرسش اخیر پاسخ داده می‌شود.

۱. احراز اصالت

از دیدگاه کپی رایت، هنگامی که اثر ادبی و هنری صرفاً تقلید و کپی‌برداری از اثر دیگری نباشد معیار اصالت (Originality) محقق شده است. هرچند که در تفسیرهای اخیر از معیار مذکور وجود حداقلی از خلاقیت ضروری شناخته شده است (McDaniel and Jue, 2009, p. 87). در مقابل در نظام حق مولف، مفهوم اصالت ریشه در شخصیت پدیدآورنده دارد. به عبارت دیگر در صورتی که اثر توسط شخص پدیدآورنده ایجاد شده و زاییده‌ی فکر وی باشد می‌توان آن را اصیل تلقی کرد.

مفهوم اصالت در نظام‌های مختلف حقوقی از آن چنان پیچیدگی برخوردار است که به راحتی نمی‌توان در مورد چگونگی احراز آن در هر نظام سخن گفت. آنچه مسلم است دگرگونی آثار به لحاظ شکل و ماهیت باعث تغییر در مفهوم اصالت نیز گردیده است. در نظام کامن لا گرچه نوعی بودن مفهوم اصالت با توجه به تعریف مورد اشاره به ذهن متبادر است، اما تحولات اخیر و ورود عنصر خلاقیت باعث نزدیک شدن آن به تفسیر شخصی می‌شود. از سوی دیگر گرچه در حقوق نوشته، شخصی بودن مفهوم اصالت امری بدیهی است، اما با ورود آثار کاربردی در دایره حمایتی حق مولف برداشتی نوعی از مفهوم ابتکار و خلاقیت دور از ذهن نیست (کلمبه، ۱۳۸۵، ص ۳۷).

در حقوق ایران مفهوم اصالت با ابتکاری بودن اثر مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. ماده ۱ قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان در تعریف اثر به آنچه که از راه دانش و هنر و یا ابتکار پدیدآورنده ایجاد شده باشد اشاره می‌نماید. همچنین در ماده ۲ قانون مذکور در بندهای متعددی به ضرورت ابتکاری بودن آثار مورد حمایت اشاره می‌نماید. همانطور که پیش از این نیز بیان نمودیم مفهوم اصالت در حقوق ایران با ابتکاری بودن اثر مترادف است. بند ۱۴ از ماده یک لایحه جامع حمایت از مالکیت فکری نیز بر این مهم و آنچه به عنوان اصول حاکم بر مفهوم اصالت برشمردیم تأکید می‌نماید. بر اساس بند مذکور «اصالت عبارت است از اینکه اثر از خلاقیت پدیدآورنده ناشی شده باشد و برگردان (کپی) از اثر دیگری نباشد، هر چند از لحاظ موضوع، محتوا یا شکل جدید نباشد.»

در حقوق فرانسه مفهوم اصالت مبتنی بر شخصیت پدیدآورنده بوده و ابتکاری بودن اثر گرچه به صراحت در قانون مالکیت فکری قید نشده است اما رویه قضایی دلالت بر وجود آن دارد. رویه قضایی فرانسه بر این نکته تأکید دارد که اثر باید به لحاظ شکل، بیان، شایستگی و هدف، اصالت داشته باشد (زرکلام، ۱۳۸۸، ص ۴۶).

در حقوق آلمان برای بیان مفهوم اصالت از عبارت «منحصر به فرد بودن» استفاده شده است. در بند دوم از ماده ۲ قانون مالکیت ادبی و هنری آلمان آمده است: «از نظر این قانون فقط آفرینش‌های فکری منحصر به فرد در حکم اثر هستند.» لزوم اصالت داشتن در ماده ۳ همان قانون درباره ی اقتباس نیز با عبارت «منحصر به فرد بودن»

تکرار شده است (زرکلام، ۱۳۸۴، ص ۱۲۴).

ماده ی ۱۰۲ قانون کپی رایت امریکا درباره ی آثاری که کپی رایت از آنها حمایت می کند، مقرر می دارد: «حمایت کپی رایت ... آثار اصیل برآمده از تألیف را که در وسیله ای محسوس بیان شده باشد، شامل می شود. این وسیله ممکن است اکنون شناخته شده باشد و یا در آینده ایجاد شود و آثار بیان شده، از طریق آن وسیله، دریافت شدنی، تکثیر پذیر و یا به شکل های دیگر، خواه به طور مستقیم و خواه به کمک یک ماشین و یا وسیله، انتقال پذیر و باشد» (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۱۲). اشاره به «آثار اصیل برآمده از تألیف» در ماده مذکور دلالت بر کفایت مفهوم اصالت در حقوق آمریکا بر آفرینش اثری مستقل که از آثار دیگران کپی نشده باشد دارد.

نام اثر بر مبنای هریک از تعاریف مورد اشاره در صورت انطباق، می تواند اصیل تلقی شود. ضرورت تفکیک بین نامی اصیل با نامی جدید و تفکیک مفهوم اصالت با ارزش نام نیز قابل توجه است. در پرونده ای مطرح شده در دادگاه پاریس سازنده ی یک برنامه تلویزیونی با نام «سلام، کجایی؟» مدعی بود که شرکت خواننده از نام برنامه ی وی بدون اجازه استفاده کرده و موجب نقض حق مولف گردیده است. دادگاه نام «سلام، کجایی؟» را هرچند به لحاظ محاوره ای معمول می دانست، اما با توجه به اینکه چنین نامی تا به حال برای یک برنامه تلویزیونی انتخاب نشده است آن را اصیل تلقی نمود (TGI de Paris, 16 janvier 2008). از سوی دیگر نامی جدید اما بدون معنا و مفهوم اصیل تلقی نمی شود.

ارزش نام هم به لحاظ کیفیت و هم به لحاظ کمیت نیز از جمله مواردی است که در کنار بحث اصالت مطرح می شود. اقبال متعارف عموم که به عنوان کیفیت اثر مد نظر است، قاعدتاً پس از احراز اصالت آن قابل بررسی است. به عبارت دیگر اثری غیر اصیل نمی تواند اثری با کیفیت تلقی شود. بنابراین کیفیت نام نمی تواند اثری بر اصالت آن داشته باشد. کمیت نام نیز نمی تواند به عنوان عامل تعیین کننده در اصالت آن نقش داشته باشد. چه بسا تاثیر یک دوبیتی به عنوان یک اثر در اذهان عموم بیش از یک کتاب در نظر گرفته شود. همین وضعیت می تواند در مورد نام خلاقانه ی یک اثر نیز ملاحظه شود. اما در حقوق کامن لا کمیت اثر در احراز اصالت آن موثر است. در واقع کپی رایت مشمول

آثار به لحاظ کمی کوچک و جزئی نمی‌شود. قاعده‌ی موصوف ریشه در اصلی در حقوق کامل به نام اصل «موضوعات کم اهمیت» (De Minimis Maxim) دارد. به این معنا که بر اساس اصل مذکور دادگاه‌ها به موضوعات کم اهمیت نمی‌پردازند (De Minimis non curat Lex) البته برخی، ملاک موضوعات کم اهمیت را مبتنی بر میزان خلاقیت به کار برده شده در اثر می‌دانند (Colston, 1999, p. 168). بر همین اساس می‌توان گفت چنانچه نام اثر از خلاقیت قابل توجهی برخوردار باشد مورد حمایت قرار می‌گیرد. با این وجود باید گفت صرف نظر از عدم تصریح قانون گذاران کشورهای تحت نظام کامن لا مانند آمریکا و انگلیس رویه قضایی در این کشورها جنبه سلبی داشته و نام اثر به لحاظ عدم احراز اصالت مورد نظر به عنوان اثر حمایت نمی‌شود (Glick, 1970, p. 450).

۲. نام اصیل به عنوان یکی از آثار مورد حمایت

چنانچه پیش از این نیز گفتیم در اغلب کشورها آثار مورد حمایت در متون قوانین مورد اشاره واقع شده‌اند. در بیشتر موارد آثار مذکور جنبه تمثیلی داشته و در برخی از کشورها حصری است. فارغ از اختلافات موجود در حقوق ایران، در این حوزه با این پرسش روبرو هستیم که آیا نام اثر خود می‌تواند به عنوان یکی از آثار مورد اشاره در قوانین تلقی شود یا خیر.

اصلی‌ترین فرضیه در این باره قرار دادن نام آثار در جمله آثار ادبی است. آثار ادبی (Literary works) به عنوان یکی از موضوعات مورد حمایت در حقوق ایران و حقوق اکثر کشورها به شمار آمده است. در اغلب موارد تعریف مشخصی از اثر ادبی در متون قانونی ملاحظه نمی‌شود. فراتر از این باید گفت اصولاً ادبیات و آثار ادبی در متون مربوط به ادبیات نیز به صورت جامع و مشخص تعریف نشده است (فتوحی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۱). وجه مشترک تعاریف ارائه شده در مورد آثار ادبی «نوشته» بودن آن در معنای وسیع خود است که اثر کتبی و شفاهی را شامل می‌شود. البته در برخی موارد ویژگی‌های خلاقیت و زیبایی نیز به آن اضافه شده است (فتوحی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۹). قانون کپی‌رایت، طرح‌ها و اختراعات انگلستان مصوب ۱۹۸۸ (Copyright, Designs)

and Patents Act) از جمله‌ی محدود قوانینی است که به تعریف اثر ادبی پرداخته است. قانون مذکور اثر ادبی را هر اثر غیر نمایشی و غیر موسیقایی که به صورت مکتوب، شفاهی یا کلامی پدید آمده باشد تعریف کرده است (Art. 3). البته پر واضح است که در ماده مذکور نیز صرفاً تفکیک اثر ادبی از اثر غیر ادبی مورد نظر قانون گذار بوده و نه تعریف اثر ادبی.

به هر حال با توجه به موارد مذکور می‌توان گفت محصول کاربرد واژگان با نظم و اصول مختص هر زبان و به شیوه‌ی مخصوص مولف می‌تواند به عنوان تعریف یک اثر ادبی در نظر گرفته شود.

حال این پرسش قابل طرح است که آیا نام اثر می‌تواند به عنوان یک اثر ادبی در نظر گرفته شود. برخی در بررسی نام اثر به عنوان یکی از آثار مورد حمایت کپی رایت به "نوشته" به عنوان مفهوم آثار ادبی اشاره نموده و نام اثر را صرفاً به این دلیل که نوشته محسوب نمی‌شود از جمله‌ی این آثار خارج نموده و آن را به عنوان دلیل عدم حمایت حقوق آمریکا از نام اثر به عنوان اثری مستقل دانسته اند (Glick, 1970, p. 450). در این باره این استدلال مطرح شده است که نوشته شامل آن دسته از آثار ادبی می‌شود که نتیجه تلاش فکری قابل ملاحظه‌ی مولف است. در حالی که نام به عنوان نشانه و اتیکت اثر تلقی شده و دارای ماهیتی وابسته به آن است و خود نمی‌تواند به عنوان یک اثر مستقل تلقی گردد (Tyler, 2009, p. 327). گرچه استدلال مورد اشاره در مورد بسیاری از نام‌ها صادق است، اما به نظر می‌رسد با توجه به پیش فرض اصالت نام و اینکه در برخی از موارد، نام اثر دارای چنان تأثیری بر عموم است که شهرت اثر وابسته به شهرت نام آن است، استدلال موصوف از جامعیت کافی برخوردار نباشد. ضمن اینکه با تعریف اشاره شده از اثر ادبی باید گفت چنین استدلالی صرفاً در جهت تامین اهداف ضد انحصار در حقوق کامن لا مطرح می‌شود. اما واقعیت امر این است که نام اثر می‌تواند تمامی ویژگی‌های یک نوشته و یک اثر ادبی را دارا باشد.

اینکه یک کلمه یا ترکیبی از دو یا چند کلمه اثری ادبی است نیز مورد تردید واقع شده است. البته پیش فرض ما در این بحث این است که نام اثر دارای شرط اصالت است. بنابراین کوتاهی یا بلندی نام نمی‌تواند در این که آن را به عنوان یک اثر ادبی

تلقی نماییم موثر واقع شود. پر واضح است که نام اثر قابلیت تلقی به عنوان اثر ادبی را دارد. البته پیش از این نیز در مورد احراز اصالت چنین آثاری در حقوق کامن لا مطالبی را بیان نمودیم. می‌توان گفت رویه حال حاضر حقوق آمریکا در عدم حمایت از نام اثر از طریق کپی رایت نیز ریشه در عدم احراز اصالت آن دارد. البته در حقوق انگلیس علیرغم عدم پذیرش اغلب دعاوی مربوط به استفاده از نام اثر، سابقه‌ای مبنی بر پذیرش آن نیز ملاحظه می‌شود. در پرونده‌ای خوانده نسبت به استفاده از نام یک اثر موسیقایی (The Man Who Broke The Bank at Monte Carlo) برای عنوان فیلم خود اقدام نموده بود که دادگاه، نام اثر را به عنوان یک اثر ادبی تشخیص و نقض کپی رایت را محرز دانست (Davis and Cheng, 2011, p. 26).

با توجه به آنچه گذشت می‌توان گفت نام اثر صرف نظر از کوتاهی یا بلندی آن در صورت داشتن اصالت می‌تواند به عنوان یک اثر ادبی تلقی و مورد حمایت کپی رایت قرار گیرد. نظریه‌ای که علیرغم رویه موجود در حقوق آمریکا دارای طرفدارانی است (Glick, 1970, p. 450). همچنین چنانچه نام اثر را به عنوان یک اثر ادبی و به صورت نوشته تلقی نماییم، می‌توانیم حمایت کنوانسیون برن را وفق ماده (۱) ۲ بر آن مترتب بدانیم. البته رعایت اصل رفتار ملی (National treatment) نیز ضروری است. از سوی دیگر بر اساس ماده ۱۹ کنوانسیون، هدف، افزایش حمایت از پدید آورنده بوده و چنانچه حمایت گسترده تری در قوانین ملی مد نظر باشد، می‌تواند با رعایت اصول کنوانسیون به کار گرفته شود. مقرره‌ی مذکور نیز می‌تواند به عنوان تقویت کننده‌ی حمایت از عنوان اثر مد نظر قرار گیرد. در حقوق ایران نیز با توجه به موارد اشاره شده نام اثر می‌تواند به عنوان یک اثر ادبی تلقی و مورد حمایت قرار گیرد.

فرضیه ضعیف دیگری نیز در رابطه با تلقی نام اثر به عنوان اثری مستقل مورد نظر برخی قرار گرفته است. بر این اساس چنانچه نام اثر به هنگام کتابت دارای طرح خاصی باشد می‌توان به عنوان یکی از آثار مورد حمایت مالکیت ادبی و هنری از آن حمایت نمود. بند ۵ از ماده ۲ قانون حمایت از مولفان و مصنفان می‌تواند مشمول این موضوع گردد. البته به نظر می‌رسد اشاره به بحث طرح در حمایت از نام اثر (امامی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۶) بیش از آنکه به لحاظ ماهیتی حمایت از نام اثر را مورد بررسی قرار

دهد، طراحی موجود حمایت می‌شود. موضوعی که در مورد نام بسیاری از آثار ادبی و هنری کاربردی ندارد. همچنین سابقه‌ای از حمایت به طریق موصوف در دیگر کشورها ملاحظه نگردید.

حمایت از نام اثر به عنوان جزئی از «اثر»

چنانچه اثر را به عنوان موجودیتی مستقل و از نام اثر به عنوان ابتدای آن تا انتها بنگریم باید گفت تلقی نام اثر به عنوان جزئی از اثر ممکن است. از سوی دیگر نام اثر می‌تواند چه به عنوان اقتباس از اثر و چه به عنوان تکثیر بخشی از اثر مورد استفاده قرار گیرد. در هر دو حالت اقتباس یا تکثیر بخشی از اثر، میزان و معیار اقدامات موصوف، مورد بحث است. به عبارت دیگر اینکه چه میزان از اثر مورد استفاده شده به لحاظ کمی (Quantity) و کیفی (Quality) می‌تواند منتهی به نقض حقوق مولف گردد، مورد سوال است.

۱۶۷

قانون حمایت از مولفان، مصنفان و هنرمندان به موضوع مورد بحث نپرداخته است. صرفاً از وحدت ملاک ماده ۷ قانون مذکور که به بحث استثنائات استفاده از آثار پرداخته است، می‌توان به متعارف بودن استفاده اشاره نمود. اما با توجه به ابهامات استفاده متعارف و اینکه در موضوع مورد بحث اثبات نقض حق مولف مد نظر است، راه حل قابل توجهی استنباط نمی‌شود.

در حقوق انگلستان علیرغم وجود رویه کامن لا مبنی بر عدم حمایت از نام اثر از طریق کپی رایت قواعد قابل توجهی وجود دارد که می‌تواند در جهت اثبات امکان حمایت از نام اثر به عنوان جزئی از اثر مورد استفاده قرار گیرد. در حقوق انگلیس هنگامی که بخشی از اثر مورد کپی قرار می‌گیرد، چنانچه بخش مذکور به عنوان بخش اساسی (Substantial Part) اثر تلقی شود نقض کپی رایت محسوب می‌شود. بر اساس بخش سوم از ماده ۱۷ قانون اختراعات، طرحهای صنعتی و کپی رایت انگلیس اقدامات نقض کننده نسبت به کل یا بخش اساسی، از اثر، امکان پذیر است. اینکه چه بخشی از اثر به عنوان بخش اساسی آن در نظر گرفته می‌شود حائز اهمیت است. به عبارت دیگر چنانچه بتوانیم نام اثر را به عنوان بخش اساسی اثر در نظر بگیریم در صورت استفاده از

نام اثر می‌توان حمایت کپی رایت را مشمول آن دانست. به طور حتم در جهت تعیین بخش اساسی اثر نقش رویه قضایی در معرفی معیارهای مورد نظر در حقوق انگلیس قابل توجه است.

به عنوان مثال قاضی لدی (Laddie) در پرونده‌ای (Ravenscroft v. Herbert) به عنوان مثال قاضی لدی (Brightman J) [1980] RPC 193) چهار معیار را جهت تعیین بخش اساسی اثر مورد تبیین قرار می‌دهد. اول اینکه میزان بخش استفاده شده چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی باید مورد نظر قرار گیرد. به عبارت دیگر حجم مطالب استفاده شده از یک سو و تاثیری که مطالب مذکور بر روی ذهن مخاطب دارد مد نظر است. از نظر وی کیفیت موضوع از کمیت آن اهمیت بیشتری دارد. دوم اینکه چه میزان از آنچه مورد استفاده قرار گرفته است، موضوع حمایت کپی رایت است و چه میزان از شمول حمایت مذکور خارج است. به عبارت دیگر در تحلیل معیار نخست باید به بخش اصیل مورد استفاده نظر داشت. سوم اینکه ناقص، از آن بخش از اثر استفاده نموده، که موجبات کاهش کار و تلاش فکری خود را فراهم آورده است. و سرانجام اینکه بخش مورد استفاده باید تا حدی مورد اهمیت باشد که موجبات رقابت دو اثر را فراهم سازد (Groves, 1997, p. 347). بر اساس موارد اشاره شده می‌توان گفت به عنوان مثال مفهوم غالب از یک شعر یا نغمه‌ی حاکم بر یک اثر موسیقایی یا نتیجه یک آزمایش طولانی می‌تواند به عنوان بخش‌های اساسی از آثار متفاوت در نظر گرفته شوند (Davison, 2016, p. 283).

بنابراین بر اساس معیارهای مذکور که می‌تواند به عنوان نمونه در حقوق داخلی نیز مورد استفاده قرار گیرد، چنانچه بخواهیم از نام اثر به عنوان بخشی از اثر حمایت نماییم به ناچار نام اثر باید اصیل باشد. از سوی دیگر چنانچه با مسامحه از کنار نقص نام اثر به لحاظ کمی بگذریم اما به نظر می‌رسد لحاظ شرط اصالت بتواند کیفیت مورد نظر را فراهم سازد. همچنین وجود شرط اصالت در تحقق معیارهای دیگر نیز موثر است. به همین دلیل رویه قضایی برخی از کشورها مانند بلژیک (Glick, 1970, p. 455) و آمریکا (Tyler, 2009, p. 327) در موارد محدودی که از نام اثر حمایت نموده‌اند، به این سو متمایل است که چنانچه نام اثر در کنار دیگر بخش‌های اثر موصوف، مورد

استفاده قرار گرفته باشد نقض کپی رایت به شمار می‌آید.

حمایت از نام اثر از طریق حقوق معنوی پدیدآورنده

حقوق معنوی یا اخلاقی پدیدآورنده که ریشه در احترام به شخصیت پدید آورنده دارد (حکمت‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۳۱۲) در برخی از کشورها به عنوان یکی از راه‌های حمایت از نام اثر مورد استناد قرار گرفته است. به عبارت دیگر آنجا که شخصیت پدیدآورنده مورد تعرض قرار می‌گیرد می‌توان به نقض حقوق معنوی استناد نمود. البته در حال حاضر حق افشای اثر (Divuligation right)، حق سرپرستی اثر (Paternity right)، حق تمامیت و حفظ حرمت اثر (Integrity right) و حق عدول (Retraction right) به عنوان نمادهای حقوق معنوی در قوانین کشورهای مختلف بیان گردیده اند. هرچند که تفاوت مبانی در نظام‌های حقوقی باعث گردیده است فنون مختلفی در حمایت از حقوق معنوی پدیدآورنده اعمال گردد که شرح آن از حوصله مقاله حاضر خارج است. سوال اساسی در این بخش این است که آیا می‌توان جهت حمایت از نام اثر به حقوق معنوی پدیدآورنده استناد نمود یا خیر. به نظر می‌رسد ساده‌ترین روش در جهت تحقق هدف مورد اشاره که همان حمایت از نام اثر است، امکان سنجی حمایت از طریق برخی از نمادهای حقوق معنوی است. اما چنانچه استفاده از روش مذکور غیر موثر یا دارای اثر ضعیفی باشد می‌توان گفت توسعه در مصادیق حقوق معنوی با تکیه بر تعرض به شخصیت پدیدآورنده می‌تواند راهگشا باشد. به عبارت دیگر همانطور که نمادهای حقوق معنوی در طول زمان و به صورت تدریجی به رسمیت شناخته شده اند در حال حاضر نیز در صورتی که رفتاری موجب تعرض به شخصیت پدیدآورنده تلقی شود، بتوان آن را در زمره نقض حقوق معنوی به شمار آورد. شاید بتوان گفت آنچه که امروزه به عنوان مقاومت نظام کامن لا در برابر به رسمیت شناختن حقوق معنوی پدیدآورنده مطرح می‌شود، ریشه در وجود عناوینی چون منع توهین و افتراء (Defamation and Libel)، رقابت غیرمنصفانه (Unfair competition) و حق خلوت (Privacy) در مبانی اخلاقی - حقوقی نظام موصوف و عدم ضرورت در تصریح به حقوق معنوی پدیدآورنده دارد. البته پر واضح است که در تمامی موارد اشاره شده

وجود اثر فکری به عنوان عنصر اساسی مد نظر بوده و سایر انواع حقوق مربوط به شخصیت فرد را در بر نمی‌گیرد (کلمبه، ۱۳۸۵، ص ۷۸). بنابراین در ادامه در جهت پاسخ به پرسش مذکور و با استفاده از حق تمامیت اثر و حق انتساب اثر به بررسی امکان حمایت از نام اثر از طریق حقوق معنوی پدیدآورنده می‌پردازیم.

۱. تطبیق با حق تمامیت اثر

حق تمامیت اثر حقی است که بر اساس آن هیچ کس نمی‌تواند یک اثر ادبی یا هنری را بدون موافقت پدیدآورنده تغییر دهد، هرچند تغییر موصوف اندک باشد. بر این اساس عنوان اثر از سویی می‌تواند از تغییر مصون بماند. به عبارت دیگر هنگامی که ما از نام اثر به عنوان بخشی از اثر صحبت می‌کنیم، این بخش نمی‌تواند بدون اجازه‌ی پدید آورنده مورد تغییر واقع شود. در این وضعیت به نظر می‌رسد فارغ از بحث اصالت نام، صرفاً به لحاظ اینکه بخشی از اثر بدون اجازه‌ی پدیدآورنده تغییر یافته است، نام اثر حمایت می‌شود.

از سوی دیگر این اشکال را می‌توان مطرح نمود که استفاده از نام اثر اغلب به صورت استفاده از آن و به صورت یکسان برای اثر دیگری از همان نوع یا غیر آن است و استناد به حق تمامیت اثر نمی‌تواند راهگشا تلقی شود. در پاسخ می‌توان گفت چنانچه یکی از مبانی حق تمامیت اثر را حمایت از شهرت پدیدآورنده محسوب کنیم (حکمت‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۳۳۴). استفاده از نام اثر دیگری، می‌تواند موجب ورود زیان به شهرت پدیدآورنده‌ی اثر ابتدایی شود. به عبارت دیگر گرچه در ظاهر تغییری نسبت به نام اثر صورت نگرفته است اما با توجه به ارتباط کامل نام اثر با شهرت پدیدآورنده می‌توان این استفاده را با لحاظ شرایطی مضر به شهرت پدیدآورنده دانسته که موجب تغییر در ارزش نام اثر خواهد شد. یکی از این شرایط را می‌توان در کیفیت دو اثر جستجو نمود. به عبارت دیگر هنگامی که از نام اثری برای اثر دیگری که به لحاظ کیفیت در درجه‌ی پایین تری از آن قرار دارد استفاده می‌شود، به صورت واضح می‌توان متاثر شدن شهرت پدیدآورنده از آن را ملاحظه کرد.

بر همین مبنا در حقوق فرانسه پدیدآورنده جهت استفاده از حقوق اخلاقی برای

حمایت از نام اثر خود، باید در دعوی مطرح شده بدوا برتری اثر خود نسبت به اثر ثانوی را به اثبات برساند. البته چنانچه اثر وی از شهرت کافی در بین عموم برخوردار باشد یا یک شاهکار ادبی و هنری تلقی شود بار اثباتی به عهده خواننده خواهد بود (Glick, 1970, p. 451).

۲. توسعه در مصادیق حق انتساب اثر

همانطور که پیش از این اشاره شد حقوق معنوی به تدریج و با توجه به حقوق مربوط به شخصیت پدیدآورنده مورد شناسایی قرار گرفته است. یکی از مصادیق حقوق موصوف حق انتساب اثر است. تا به حال در تمامی تحلیل‌های مطرح شده در مورد حق مزبور به حق پدید آورنده در انتشار اثر با نام وی اعم از واقعی یا مستعار اشاره شده است. در نگاه اول حق موصوف نمی‌تواند ارتباطی با حمایت از نام اثر پیدا کند. اما وضعیت کنونی برخی از آثار به ویژه آثار ارائه شده در حوزه سرگرمی‌ها مانند فیلم و موسیقی و عجین شدن نام پدیدآورنده با نام اثر، تردیدهایی را در این باره مطرح می‌نماید. به عبارت دیگر هنگامی که نام اثر از چنان شهرتی برخوردار می‌شود که پدید آورنده‌ی آن را با نام اثر می‌شناسند می‌توان در مورد حق انتساب اثر نیز سخن گفت.

البته در وضعیت مذکور به این نکته باید توجه نمود که حق انتساب اثر شامل حق پدید آورنده در سلب استفاده از نام خود برای اثر دیگری (Right to prevent false attribution) نیز می‌شود (شبیری، ۱۳۹۶، ص ۲۵۰). حال چنانچه نام اثر به لحاظ شهرت آن، به عنوان یکی از مشخصه‌های شخصیتی و هویتی پدیدآورنده در بین عموم محسوب شود، باید گفت توسعه در مفهوم حق انتساب اثر که منتهی به توسعه در مصادیق مرتبط می‌شود، می‌تواند به عنوان راه حلی جهت حمایت از عنوان اثر تلقی گردد. به عنوان مثال کمتر کسی می‌تواند نام پدیدآورنده‌ی اثر «هری پاتر» (Harry potter) را به خاطر بیاورد. به همین جهت در اغلب موارد جهت معرفی پدیدآورنده، به عنوان «خالق هری پاتر» اشاره می‌کنند. بنابراین اکنون عنوان «هری پاتر» جزئی از شخصیت پدیدآورنده محسوب شده و استفاده از آن برای اثر دیگری نوعی خدشه به حق انتساب اثر به شمار می‌آید.

نکته قابل توجه در این بحث وضعیت قانون حمایت از حقوق مولفان مصنفان و

هنرمندان در مورد حق انتساب اثر است. در ماده ۱۸ قانون موصوف چنین آمده است: «انتقال گیرنده و ناشر و کسانی که طبق این قانون اجازه استفاده یا استناد یا اقتباس از اثری را به منظور انتفاع دارند باید نام پدیدآورنده را با عنوان و نشانه ویژه معرف اثر همراه اثر یا روی نسخه اصلی یا نسخه چاپی... درج نمایند...» در این ماده عبارت «عنوان و نشانه ویژه معرف اثر» در کنار «نام پدیدآورنده» آورده شده است. در تمامی تحلیل‌های حقوقدانان از ماده مذکور عبارت عنوان و نشانه ویژه معرف اثر به پدید آورنده سرایت داده شده است. در حالی که پر واضح است «عنوان و نشانه ویژه» به «اثر» اضافه گردیده و باید حمایت را متوجه نام و عنوان اثر دانست. مضاف بر این باید گفت هنگامی که در ماده ۱۷ و در بحث حمایت از نام اثر که پیش از این مورد بحث واقع شد، از عبارت «نام و عنوان و نشانه ویژه‌ای که معرف اثر است» استفاده می‌شود و عبارت مذکور عینا و در ماده ۱۸ و در بحث حق انتساب اثر تکرار می‌گردد، قرینه‌ای بر صحت ادعای مذکور دانست. بنابراین در قانون ایران می‌توان علاوه بر مباحث ابتدایی از متن قانون نیز به توسعه مصداقی حق انتساب اثر دست یافت.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی امکان حمایت از نام اثر از طریق هر یک از نظام‌های حق مولف یا کپی رایت می‌پردازد. به همین منظور در ابتدا به ماهیت نام اثر و بدواً امکان تلقی نام اثر به عنوان اثری مستقل پرداختیم. به رغم تفاوت‌های موجود در مفهوم اصالت در دو نظام حق مولف و کپی رایت، باید گفت در صورت انطباق نام با هر یک ملاک‌های نظام‌های مذکور در مورد اصالت، امکان اصیل دانستن نام اثر میسر است. البته صرف جدید بودن نام نمی‌تواند دلالت بر اصالت آن داشته باشد. در مورد ارزش کمی نام نیز همین وضعیت قابل ملاحظه است. اما نظام کپی رایت کمیت اثر را در احراز اصالت آن موثر می‌داند که دلیل آن ریشه در اصل «موضوعات کم اهمیت» دارد. به هر حال با تفسیر اصل مذکور، با محوریت میزان خلاقیت، می‌توان گفت در نظام مذکور نیز نام‌های خلاقانه مورد حمایت قرار می‌گیرند. از سوی دیگر می‌توان نام اثر را

به عنوان یک اثر ادبی تلقی نموده و آن را در زمره یکی از آثار فکری مورد حمایت نظام حق مولف یا کپی رایت دانست. البته این اشکال مطرح شده است که ترکیب دو یا چند کلمه نیز به لحاظ کوتاهی نمی‌تواند به عنوان نوشته محسوب شده و منتهی به تلقی اثر ادبی از آن شود. اما باید گفت در اینجا نیز پیش شرط اصالت مورد نیاز بوده و حتی در کشورهای مشمول نظام کپی‌رایت نیز با تفسیر بیان شده این مشکل قابل حل خواهد بود. همچنین می‌توان نام اثر را به عنوان جزئی از اثر مورد حمایت قرار داد. در این وضعیت به ناچار می‌بایست استفاده از نام اثر به هنگام نقض حق مولف تحلیل شود. بر همین اساس معیار استفاده از «بخش اساسی» از اثر که در حقوق انگلیس مد نظر است، مورد بررسی قرار گرفت. در اینجا نیز به این نتیجه رسیدیم که در صورت احراز اصالت نام اثر، می‌توان معیار استفاده از بخش اساسی اثر را محقق دانسته و آن را مشمول نقض کپی رایت بدانیم. چنین تفسیری می‌تواند فرا روی قضات در پرونده‌های مشابه و به هنگام کپی‌برداری از بخش‌هایی از یک اثر از جمله نام اثر مورد استفاده قرار گیرد.

حقوق معنوی پدیدآورنده نیز می‌تواند در جهت حمایت از نام اثر مورد استفاده قرار گیرد. از یک سو می‌توان با استناد به حق تمامیت اثر استفاده از نام اثر سابق را به لحاظ کاستن از ارزش آن که منتهی به ورود زیان به شهرت پدیدآورنده می‌شود را ممنوع نمود. از سوی دیگر با توجه به شهرت برخی از نام‌ها و تلقی آن‌ها به عنوان یکی از مشخصه‌های شخصیتی و هویتی پدیدآورنده، می‌توان با توسعه در مصادیق حق انتساب اثر، حوزه حمایتی آن را مشمول نام اثر نیز دانست.

در بررسی وضعیت حمایت از نام اثر در دیگر کشورها باید گفت حمایت از نام اثر از طریق نظام حق مولف یا کپی رایت با روندی رو به افزایش در کشورهای مختلف در جریان است. کشورهای مشمول نظام حق مولف، در این مسیر، حمایت گسترده تری را اعمال می‌نمایند. به عبارت دیگر، کشورهای موصوف علاوه بر استفاده از امتیازات قوانین مربوط به علائم تجاری و رقابت غیرمنصفانه در حمایت از نام اثر، و امکان انعقاد قراردادهای خصوصی بین اعضای انجمن‌های پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری،

نسبت به حمایت از نام‌های اصیل اقدام نموده‌اند. حتی کشورهایی مانند فرانسه، گام را فراتر از این نهاده و در صورت وجود شبهه در گمراهی مخاطب، در استفاده از نام مشابه و بدون لحاظ پیش شرط اصالت، حمایت را متوجه آن دانسته‌اند. حمایت از طریق حقوق معنوی پدیدآورنده نیز مورد توجه برخی کشورها مانند فرانسه قرار گرفته است. در مقابل کشورهای مشمول نظام کپی رایت از جمله آمریکا نگرشی سلبی نسبت به حمایت از نام اثر دارند. علیرغم وجود نظریات حقوقی متعدد جهت حمایت از نام اثر از طریق کپی رایت، دادگاه‌ها با استناد به عدم اصالت نام اثر، آن را از شمول حمایت کپی رایت خارج می‌دانند. البته کشورهای مذکور اعم حمایت خود را از طریق قواعد مربوط به رقابت غیرمنصفانه و حمایت از علایم مشهور (Passing off) اعمال می‌نمایند.

در حقوق ایران نیز ماده ۱۷ قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان بدون هیچ پیش شرطی از جمله اصالت، نسبت به حمایت از نام اثر اقدام نموده است. اما به لحاظ ماهوی و پذیرش امکان اصالت آن یا وجود وابسته به اثر به لحاظ قانونی مسکوت است. از سوی دیگر با توجه به تبصره ماده ۸ لایحه جامع حمایت از مالکیت فکری که در مجلس شورای اسلامی مطرح است، شکل، عنوان و نشانه ویژه اثر در صورتی که از خلاقیت و نوآوری پدیدآورنده ناشی شده باشد مورد حمایت قرار گرفته و استفاده از آن در اثر دیگری در صورتی که القا شبهه نماید ممنوع است. بنابراین می‌توان تلاش قانونگذار ایرانی در جهت حمایت از نام‌های اصیل را ملاحظه نمود که در صورت تصویب ابهامات موجود تا حدودی مرتفع می‌شود. همچنین در مورد حمایت از طریق حقوق اخلاقی باید گفت با توجه به تفسیری که از ماده ۱۸ قانون مذکور ارائه گردید قانونگذار خود اقدام به توسعه مصداقی حق انتساب اثر نموده است. البته پیشنهاد می‌شود در جهت حمایت از حقوق معنوی پدیدآورنده توسعه مصداقی مذکور به صورت صریح در لایحه جامع مالکیت فکری مورد نظر قرار گیرد.

منابع و مأخذ

۱. امامی، اسدالله؛ حقوق مالکیت معنوی؛ ج ۱، میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۲. انصاری، باقر؛ «شرایط اثر قابل حمایت»؛ مجله تحقیقات حقوقی، ش ۴۵، ۱۳۸۶
۳. حکمت‌نیا، محمود؛ مبانی مالکیت فکری؛ سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶
۴. دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه؛ ۱۳۷۷، قابل مشاهده در: <https://dictionary.abadis.ir>
۵. زرکلام، ستار؛ حقوق مالکیت ادبی و هنری؛ انتشارا سمت، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۸
۶. _____؛ ترجمه قانون مالکیت فکری فرانسه و آلمان؛ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، تهران، ۱۳۸۴
۷. شبیری زنجانی، سید حسن؛ مطالعه تطبیقی مفهوم و ماهیت حق انتساب اثر ادبی و هنری در نظام‌های حقوقی؛ مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۷۹، پاییز ۱۳۹۶.
۸. صفایی، سید حسین؛ حقوق مدنی و حقوق تطبیقی؛ میزان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۶
۹. فتوحی، محمود؛ «تعریف ادبیات»؛ زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳۲، بهار ۱۳۸۰
۱۰. کلمبه، کلود؛ اصول بنیادین حقوق مولف و حقوق مجاور در جهان؛ ترجمه علیرضا محمد زاده وادقانی؛ میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵

۱۱. عمید، حسن؛ فرهنگ عمید؛ ۱۳۴۲، قابل مشاهده در:

<<https://dictionary.abadis.ir>>

۱۲. معین، محمد؛ فرهنگ معین؛ ۱۳۹۳، قابل مشاهده در:

<<https://dictionary.abadis.ir>>

13. Davies, Colin & Cheng, Tania; **Intellectual property law in the United Kingdom**; Kluwer Law International, 2011.
14. Davison, Mark & Monotti, Ann & Wiseman Leanne; **Australian Intellectual Property Law**; Cambridge, 2016.
15. Colston, Catherine; **Principle of intellectual property law, Cavendish publishing**; London, 1999.
16. Glick, Leslie Alan; **Protection of literary and artistic titles: a comparative analysis of United States and foreign law**; Cornell Law Review, 1970.
17. Groves, peter J; **Sourcebook on intellectual property law**; Cavendish, London-sydney, 1997.
18. McDaniel, katherine & Juo, James; “A quantum of originality in copyright”; **Journal of Intellectual Property**, 2009.
19. Sterling, JAL; **World copyright law**, sweet and Maxwell, London, 1999
20. Stromholm, stig; **International Encyclopedia of Compartive law**; nijhoff pub. Boston, 1990
21. Tannenbaum, samual W; “Copyright law: Titles in the entertainment field”; **American Bar Association Journal** 45, 1959.
22. Tyler, Emily Kathryn; “Infringicus Maximus! An Exploration of Motion Picture Title Protection in an International Film Industry Through the Legal Battles of Harry Potter”; **Journal of Intellectual Property Law** 16, 2009.